

## قسمت هشتم

### مسایلی پیرامون اهداف حزب وطن در عرصه سیاست خارجی

در طول تاریخ جوامع بشری میان مردمان و دول کشورهای مختلف ، بخصوص میان مردمان و دول کشورهای همسایه ، در عرصه های مختلف زندگی روابط وجود داشته است . این روابط بخصوص در شرایط کنونی - که بنابر دلایل متعدد جهان به دهکده یی مبدل گردیده - گسترش هرچه بیشتر یافته است . وسعت و گستره ابعاد این روابط ، زندگی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی کشور های جهان را با همدیگر در حدی درآمیخته که نفی و نادیده گرفتن آن ناممکن گردیده است . بنابراین دول و سایر ساختارهای سیاسی این کشور ها در انتظام اندیشه های سیاسی و سیاست های عملی شان نمیتوانند و نباید به این روابط بی توجه باشند . حزب وطن نیز بمثابة یک ساختار سیاسی با اعتبار و پرجاذبه در افغانستان ، مطابق به بنیاد های اندیشوی سیاسی خویش (اندیشه سیاسی مصالحه ملی) ، مامول فوق را در بخش مشخص مرانامه مصوب مجمع عمومی مؤرخ پنجم میزان 1391 خویش ، انتظام بخشیده است . در پراگراف اول بخش مربوط به انتظام سیاست های حزب وطن در عرصه خارجی ، اصول کلی این روابط ؛ چنین فرمولبندی گردیده است :

«حزب وطن از تنظیم سیاست خارجی کشور مبتنی بر حفظ و تحکیم منافع ملی ، همچنان درك جهان معاصر در ابعاد جدید که خصوصیت عمده آن می باید همکاری و تساند بین المللی برای بقای بشریت ، حل سیاسی و صلح آمیز مسایل جهانی ، تشنجات منطوقی و اختلافات میان کشور ها باشد ، همچنان از تامین همکاری های اقتصادی ، فرهنگی و ایکولوژیکی میان کشورها ، توأم با رعایت منافع مشروع همدیگر و تلفیق آن بامناف مسلم جامعه بشری حمایت مینماید» .

در پراگراف فوق بکاربرد مفهوم «منافع ملی» ، مُحمل چه معانی یی است ؟

منافع ملی : منافع جمعی تمام باشندگان یک جغرافیای مشخص و تعریف شده ملی (نه در محدوده منافع صرفاً یک فرد ، یک قوم ، باشندگان یک سمت ، گویندگان یک زبان ، افراد شامل یک قشر ،

لایه و یا سازمان اجتماعی و یا یک حزب سیاسی) را شامل می باشد . بنابراین منافع ملی می باید منافع مشخص و تعریف شده بی باشند که یک ملت جهت دستیابی و حفظ آنان در یک وضعیت مشخص و مقطع معین زمانی ، تلاش و مبارزه مینمایند .

در تعریف فوق به دو مسئله اهم باید توجه گردد :

- هیچ ملتی نمیتواند وحدت ملی را تبارز دهد تا افراد متشکله آن ، اراده جمعی را در دفاع از آن ارزشهای تعریف و تسجیل شده ملی نشان ندهند که در یک جامعه دموکراتیک ، پرمبنای تصامیم ساختار های مثل اراده ملی ، پذیرفته شده اند و منافع ملی را افاده مینمایند . صرف درین صورت است که جامعه نشان میدهد به خودآگاهی ملی دست یافته و به مفهوم ملت عینیت بخشیده است . درینصورت مفهوم منافع ملی و توجه به حفظ و تحکیم آن ، بیشتر در روابط و مناسبات خارجی کشور مدنظر می باشد .

- ارزش های شامل منافع ملی هم در بُعد داخلی حیات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و هم در بُعد خارجی آن ، ارزشهای جزم و محجر دایم البقای تاریخی نبوده ، بلکه خصلت سیال و تغییر پذیر داشته ، تشخیص و تعریف آنان تابع تحلیل مبتنی بر خرد ملی از اوضاع و شرایط مشخص اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی کشور در مقاطع معین تاریخی و چگونگی اثرات آن بر روابط خارجی است . بدین ملحوظ مسئله بی که در یک وضعیت و در مقطع زمانی مشخص میتواند ارزش مبرم شامل منافع ملی یک کشور تلقی گردد ، با تغییر اوضاع و شرایط و در یک مقطع زمانی دیگر ، از درجه مبرمیت آن کاسته و یا حتی از فهرست منافع ملی حذف گردد و یا برعکس برخی از ارزشها از اهمیت هرچه بیشتر برخوردار و یا هم ارزشهای جدید و جدیدتری شامل فهرست منافع ملی یک کشور گردد . حقایق تاریخی و کنونی مؤید آن اند که کشورهای مختلف ، بادر نظر داشت سطح رشد اجتماعی - اقتصادی ، همچنان سطح قدرت (اقتصادی و نظامی و در نتیجه نفوذ و اعتبار سیاسی و فرهنگی شان در عرصه بین المللی) فهرست حاوی مسایل مربوط به منافع ملی شان را با ابعاد متناسب به آن انسجام داده ، تعریف مینمایند .

باتوجه به مفهوم توضیح شده از منافع ملی ، مرامنامه حزب وطن اهداف و وظایفی را مطرح نموده و جهت دستیابی به آن مبارزه مینماید که به بهترین وجهه منافع ملی کشور را هم در حیات داخلی و هم در مناسبات و روابط خارجی کشور ما ، حفظ و تحکیم نموده ، غنا بخشیده و گسترش دهد .

همچنان در پراگراف مورد بحث ، اصل «درک جهان معاصر در ابعاد جدید» با خصوصیات عمده آن (همکاری و تساند بین المللی برای بقای بشریت ، حل سیاسی و صلح آمیز مسایل جهانی ، تشنجات منطقی و اختلافات میان کشور ها) مورد تانید و حمایت قرار گرفته ، ولی تجارب دردآور کشورما طی چند دهه اخیر و همین اکنون نیز مؤید آن اند که عده بی از کشور ها - بخصوص برخی از همسایگان - در مناسبات شان با کشور ما این خصوصیات را مورد رعایت قرار نه داده و تا اکنون نیز علایمی را درین زمینه نشان نمیدهند و همچنان نمونه های عدم رعایت آن در مناسبات و روابط خارجی برخی از کشورهای قدرتمند نیز مشهود است ؛ بنابراین در جمله بندی پراگراف فوق ، کلمات تاکیدی «می باید ... باشد» بکار گرفته شده است .

افزون بر آن در عرف مناسبات بین المللی آنچه که «کمک ها» و «همکاریهای» برخی از کشورها با برخی کشورهای دیگر عنوان میشوند ، به هیچوجه بدون شرط و شرایطی نبوده و نخواهد بود که این شرط و شرایط دستیابی به برخی از اهداف و منافع اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و نظامی کشورهای تمویل کننده را در قبال نداشته باشد . چه بسا که این به ظاهر کمک ها و همکاری ها، میتوانند نقض و نفی منافع بزرگ و بزرگتر کشورهای بدست آورنده و یا هم منافع کتله های بزرگ از جامعه بشری را در عرصه جهانی و یا منطقوی ، در قبال داشته باشند . به همین ملحوظ اصل حمایت از «تامین» این «کمک ها» و بذل «همکاریها» به «رعایت منافع مشروع همدیگر و تلفیق آن با منافع مسلم جامعه بشری» مشروط ساخته شده است . البته آنده کشورهای - مثلاً برخی از همسایگان افغانستان در روابط و مناسبات خارجی شان با کشور ما - که خود اصول رعایت منافع مشروع کشور دیگری را احترام نمی نمایند ، نباید رعایت اصول متذکره در مناسبات و روابط آن کشور دیگری را با خویش ، توقع داشته باشند .

با درنظرداشت اصول کلی توضیح شده سیاست خارجی حزب وطن ، اینک طرح مشخص این اهداف و وظایف را در تداوم متن مرامنامه حزب ، مورد مطالعه قرار میدهم :

« - حزب وطن از حفظ ، بهبود و توسعه مناسبات افغانستان مبتنی بر اصول تساوی حقوق ، عدم مداخله ، احترام متقابل و منافع جانبین با همه کشورهای جهان پشتیبانی نموده و با کشورهای همسایه خواهان تامین مناسبات حسن همجواری ، همسایگی نیک متکی بر عدم مداخله در امور همدیگر ، تامین همکاری متقابل و حل اختلافات (منجمله اختلافات مرزی) از طرق مسالمت آمیز و سیاسی با در نظر داشت حقایق تاریخی و معیارهای قبول شده جهانی تحت سر پرستی سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین المللی ، میباشد .

- حزب وطن از تامین و تداوم مناسبات نزدیک با کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک و کشورهای عضو کنفرانس بین المللی اسلامی و از همکاری های متقابل سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای مذکور ، حمایت نموده به ایفای نقش موثرتر آنان در تامین صلح جهانی و رفع معضلات منطقوی ، علاقمند است .

- حزب وطن طرفدار سهمگیری وسیع و مؤثر دولت افغانستان در فعالیت های سازمان ملل متحد بوده و همچنان بر اصل احترام و تعمیم اصول و میثاق های بین المللی بوسیله دولت افغانستان ، تاکید مینماید .

- حزب وطن از موضع دفاع از صلح ، سیاست های جنگ افروزانه رامحکوم نموده خواهان حل مسایل بین المللی از طرق سیاسی و صلح آمیز میباشد ؛ درعین حال از منع تولید و آزمایش اسلحه کشتار جمعی (ذروی، کیمیای و بیولوژیکی) حمایت مینماید . ما وجود اسلحه ذروی را در منطقه و در همسایگی افغانستان نه تنها خطر بزرگ برای کشور خویش بلکه صلح جهانی میندازیم ؛ زیرا وجود اسلحه مذکور در منطقه نی که متاسفانه به کانون فعالیت مافیای بین المللی مواد مخدر، تروریزم بین المللی و بنیادگرایی مبدل شده است، میتواند (چنانچه شواهد نشان داده است) به مرکز بین المللی فروش و قاچاق اسلحه ذروی ، کیمیای ، بیولوژیکی و دانش دستیابی به انواع اسلحه مذکور، نیز مبدل گردد . بنابراین ما از تمام تدابیری پشتیبانی مینمائیم که کشور های حوزه جنوب آسیا ، بخصوص کشورهای همسایه افغانستان را به منطقه عاری از انواع اسلحه مذکور، مبدل سازد . همچنان ما از تدابیرمشترک همه کشورها علیه کشت ، پرورس ، تجارت و

قاچاق مواد مخدر و مبارزه مشترك آنان برضد تروريزم و جنايات سازمانيافته بين المللی پشتيبانی مینمائيم .

- حزب وطن طرفدارتامين نظم عادلانه در روابط اقتصادی بين المللی است . مبتنی بر همین اصل از سهمگیری فعال و مؤثر افغانستان در اتحادیه های اقتصادی ، تجارتي ، ترانزیتی ، ترانسپورتي و گمرکی بين المللی و منطقوی ، پشتيبانی مینماید .

- حزب وطن از سیاست جلب کمک های بلا عوض ، سرمایه گذاریها و کریدتهای خارجی بمنظور بازسازی ، انکشاف و ترقی اقتصادی - اجتماعی کشور بشرطی حمایت مینماید که از تاثیرات ایدیولوژیک و سیاسی فارغ و بر مبنای همکاری های بیغرضانه و منفعت متقابل استوار باشد .

- ما عقیده داریم که : چون جنگ و ویرانی افغانستان در اثر تجاوز و مداخله وسیع ، دوامدار و چندین جانبه خارجی بوقوع پیوسته و کشور ما قربانی آن است ، مردم ما حق دارند تا از جامعه بین المللی اعم از کشورهای بزرگ ، کشورهای ثروتمند ، کشورهای همسایه ، سازمانها و موسسات بین المللی طلب کمک نمایند که در بازسازی افغانستان ، سهم خود را بصورت گسترده و مؤثر ادا نمایند .

# بخش سوم

توضیح برخی مسایل مندرج اساسنامه حزب وطن

## قسمت اول

### فرکسیون ها : مکانیزم تصحیح و تحرک در حیات حزبی

با تکمیل توضیح برخی مسایل مندرج در مرامنامه جدید حزب وطن ، اینک به تفسیر برخی مسایلی از مندرجات اساسنامه جدید حزب وطن ؛ نیز پرداخته می شود .

حزب وطن مانند تمامی احزاب دیگر ، افزار سیاسی بی است جهت دستیابی به اهدافی که در مرامنامه این حزب - مصوب مجمع عمومی پنجم میزان 1391 (شهر کابل) - انعکاس یافته اند . بنابراین ، این افزار چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ عملکرد خویش ، می باید کارایی لازم و ضرور را برای انجام چنین رسالتش در قبال دستیابی به اهداف و آرمانهای متذکره ، دارا باشد . اساسنامه حزب وطن - مصوب مجمع عمومی فوق الذکر- بمتابیه وثیقه با اعتبار تنظیم حیات داخلی حزب ، بادر نظر داشت چنین مختصاتی تسوید ، تصویب و نافذ گردیده است . به همین ملحوظ در همان آغاز متن اساسنامه و تعریفی که از حزب وطن بعمل آمده ، به بنیاد های واحدی جهت تعیین اهداف و تنظیم حیات درونی حزب وطن ؛ چنین اشاره صورت گرفته است :

«حزب وطن عالیترین شکل سازمان سیاسی سراسری وطنی و طندوستان افغانستان است که در آن افراد پیشگام ، آگاه ، متعهد ، مؤمن و با وقف ، از میان مردم افغانستان ، بطور داوطلبانه متحد گردیده ، با اعتقاد به وفاق ملی و با اتکا به ارزشهای دموکراتیک و ترقیخواهانه فرهنگ افغانی و اصول پذیرفته شده عام بشری، جهت ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای اجتماعی - اقتصادی جامعه رفاه و ساختار های مدنی لازمی آن ، مبتنی بر مرامنامه تدوین شده خویش، مجاهدت مینماید.

حزب وطن محصول قانونمند تکامل تاریخی و وارث نهضت آزادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین باستانی ما بوده ، از متن آن قامت برافراشته ، با در نظر داشت درسها و تجارب حاصله از این نهضت و تلفیق آن با اندیشه های صلح خواهانه و حقایق جهان معاصر ، اهداف خویش را معین

نموده و حیات درونی خود را تنظیم مینماید. اعتقاد به اندیشه سیاسی مصالحه ملی مبتنی بر اصل جاویدان «و الصلح خیر»؛ باور به ارزشهای جامعه مدنی و از جمله دموکراسی و پلورالیزم سیاسی - عقیدتی، سرشت حزب وطن را تشکیل میدهد. بنابراین سرشتی، حزب حیات درونی خویش را نیز مبتنی بر اصول دموکراسی و پلورالیزم نظریاتی (وحدت در تنوع) انتظام میبخشد؛ تا اعضای حزب بتوانند تنوع نظریات را ارایه و جایگاه شان را در آرایش نیروهای تثبیت نمایند که در درون حزب با رعایت ارزشهای مندرج مرامنامه و اساسنامه آن، تبارز نموده و یا مینمایند.»

توضیحات فوق میرساند که هم در متن مرامنامه و هم در متن اساسنامه جدید حزب وطن، این بار نیز به ماهیت و مضمون اندیشه سیاسی مصالحه ملی اتکا و به «درسها و تجارب حاصله» از «نهضت آزادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین باستانی ما» توجه صورت گرفته است. بدین ملحوظ؛ این حزب هم از لحاظ تداوم تاریخی و هم از لحاظ توجه به جنبه های مثبت و منفی تجارب این نهضت (1) و بکاربرد ارزشهای مثبت این تجارب، نه تنها محصول قانونمند تکامل تاریخی، بلکه وارث این نهضت نیز محسوب میگردد.

تلفیق فرآورده های اندیشه یی و عملی یی منتج از تجارب تاریخی نهضت آزادیبخش و ترقیخواه میهن ما، با مختصات عینی وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کنونی و تغییر یافته کشور، منطقه و جهان و همچنان تأثیرات متقابل این اوضاع (اوضاع کنونی داخل کشور، منطقه و جهان) بر همدیگر و استنتاج نهایی از آن، اصل دیگری است که در تعیین ماهیت اسناد اساسی و در نتیجه در تشخیص و تعریف حزب وطن، بدان توجه صورت گرفته است.

افزون بر آن؛ چون حزب وطن، درین مرحله از تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه افغانی، هدف دورنمایی خویش را دستیابی به ارزشهای جامعه رفاه و ساختارهای مدنی لازمی آن بر مبنای اصول دموکراسی، قرار داده است، خود حزب نمیتواند و نباید حیات درونی خود را در انطباق با ارزشها و اصول دموکراسی تنظیم نماید. زیرا حزبی که به تحقق ارزشهایی برای خود و در درون خود نمی پردازد، ادعای آن جهت مبارزه برای تحقق چنین ارزشها در سطح جامعه و جهان، نمیتواند قابل اعتبار باشد. زندگی و تجربه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر احزاب همپراز، مؤید این حقیقت اند.

یکی از مختصات اساسنامه جدید، تحقق آن آرزوی رهبر شهید ما دوکتور نجیب الله است که علی الرغم علاقمندی شدید شان، بنابر وضعیت نامناسب عینی، هم در کشور و هم در درون حزب، حین تدویر کنگره سرطان 1369 ممکن نگردید تا درج اساسنامه حزب، مصوب آن کنگره گردد. این آرزو که حزب را با مقتضیات زمان هماهنگ می ساخت، پلورالیزم نظریاتی درون حزبی، در زمینه چگونگی دستیابی به اهداف مرامی حزب بود. به ملحوظ همین ضرورت است که حزب وطن بمتابزه حزبی دارای سرشت کثرت پذیر و دموکرات، اینک «حیات درونی خویش را نیز مبتنی بر اصول دموکراسی و پلورالیزم نظریاتی (وحدت در تنوع) انتظام میبخشد؛ تا اعضای حزب بتوانند تنوع نظریات را ارایه و جایگاه شان را در آرایش نیروهای تثبیت نمایند که در درون حزب با رعایت ارزشهای مندرج مرامنامه و اساسنامه آن، تبارز نموده و یا مینمایند». بخاطر تحقق همین اصل تذکاریافته در تعریف حزب وطن است که در بند اول ماده سوم اساسنامه جدید حزب ما، تاکید بعمل آمده؛ که هر عضو حزب حق دارد:

[«با رعایت اصل «وحدت در تنوع» در حیات درونی حزب، در بحث ها روی مسایل جاری و دورنمایی حزب فعالانه سهم بگیرد، نظریات خویش را - بمنظور جلب حمایت از آن - در جلسات حزبی، در میان سایر اعضای حزب، در مطبوعات حزبی و سایر رسانه های گروهی مطرح و مبتنی

براین نظریات جایگاه خویش را در آرایش نیروهای تثبیت نماید که در درون حزب با رعایت مرامنامه و ارزشهای مندرج این سند ، تبارز نموده و یا مینماید» .

با اشاره به مشخصه فوق ، در گزارش اساسی تصویب شده بوسیله مجمع عمومی مؤرخ 5 میزان 1391 حزب وطن ؛ چنین تذکار بعمل آمده است : « این مشخصه دسته بندی های مشروع و معقولی را در درون حزب مجال تبارز قانونی میدهد که از یک سو مبارزه درون حزبی را بمنظور رفع انحرافات و کاستی های محتمل ، زمینه داده و از سوی دیگر با انگیزش رقابت های معقول ، باعث تحرک و دینامیزم ساختار های درونی حزب میگردد . حزب بنا بر اهمیت چنین تحرک در حیات درونی خویش و انتظام معقول آن ، رهنمودی را تنظیم و آن را در یکی از جلسات شورا مرکزی خویش مطرح و تصویب خواهد نمود» .

معمولاً در تداوم آن بخش از حیات حزبی گذشته و به تاریخ سپرده شده آن نسل از اعضای کنونی حزب وطن که به ح . د . خ . ا مرتبط بودند ، مفهوم «فرکسیون» و عملکرد گروهی از اعضای حزب تحت همین عنوان ، نه تنها قابل نکوهش بلکه خیانت به حزب و به آرمانهای آن تلقی و به همین ملحوظ خطاب «فرکسیون باز !» ، بدترین ناسازی سیاسی و تحقیر مخاطب ، محسوب میشود . این وضعیت کدام نتایجی را در قبال خویش باعث گردید :

هیچ یک از رهبران ، کادرها و اعضای حزب به تاریخ سپرده شده دموکراتیک خلق افغانستان ، منکر این حقیقت نیستند و نمیتواند منکر باشند که در تمامی دوران حیات سیاسی این حزب ، در درون تشکیلات آن ، برخلاف ممنوعیت اساسنامه یی ، نه تنها «جناح» ها ، بلکه در هریک از جناحها ، فرکسیون های متعدد رسماً تعریف نشده ، وجود داشته اند . چون این جناح ها و فرکسیون ها در خفا و بدون تبارز علنی ، در محدوده افراد همراز و بدون وجود فضای تقابل اندیشه یی ، شکل می گرفتند ، چه بسا که فاقد طرح اصولی و در حیطه سلیقه ها و منافع مستور شخصی افراد (حفظ و تحکیم مقام و موقف موجود ، یا بدست آوردن مقام بالاتر و صلاحیت های بیشتر) و آنهم افراد پرقدرتی - که چه بسا منابع این قدرت نیز در داخل حزب و حتی داخل کشور نبودند - در حلقهات رهبری و آنهم رهبرانی میچرخید که خود در تمام جلسات حزبی با رای مثبت شرکت نموده ولی در بیرون از جلسات و حیات رسمی حزب ، با برخورد های عوامفریبانه ، اندیشه ها و طرح های برخلاف آنرا به اعضای فرکسیون خویش ، توأم با توصیه حفظ رازداری ، تلقین مینمودند که خود در داخل جلسات یا به رضایت کامل ، یا بنابر فقدان منطق و استدلال و یا هم بنابر نبود شجاعت تبارز مخالفت ، با آنان موافقت نموده بودند . چنین خصوصیتی نه تنها به مرض دردناکی مبدل گردیده بود که تشکیلات حزب را پیوسته زجر میداد ، بلکه در بهترین حالت از تحرک و مؤثریت آن میکاست و چه بسا که به انشعاب و یا برخورد نظامی کشانیده می شد .

افزون بر آن با تسلط ایدولوژی معین و نبود رسمی فرکسیون ها در حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، تشکیلات حزب رسماً فاقد میکانیزم تصحیح و تکامل اندیشه یی - سیاسی و در نتیجه فاقد میکانیزم جلوگیری از اشتباهات ، کجروی ها و انحرافات ، همچنان تسلط کیش شخصیت و تداوم سلطه رهبر (رهبران) سنتی فاقد تحرک و بی ابتکار گردید . در نتیجه تسلط چنین وضعیت ، ضعف اخلاقی مسلط شد که با ترس و تشویش از قطب دموکراسی در اصل «مرکزیت دموکراتیک» ، به «مرکزیت خدشه ناپذیر» و «انضباط آهنین» در حیات حزبی - و آن هم در حول اراده و «رهنمودهای داهیان رهبر» ، اتکای مطلق تعمیل میگردد . حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، مثالی است از حقیقت تمامی احزاب همطراز در کشورهای مختلف ، صرفنظر از آنکه این احزاب در کدام شرایط اجتماعی - اقتصادی ، فعالیت مینمودند و یا فعالیت مینمایند .



با استنتاج از حقایق فوق و تلفیق آن با تجارب احزاب معتقد به دموکراسی در پهنه جهان بود که حزب وطن با تبارز بلوغ سیاسی و اعتماد به نفس، مطابق به متن فوق الذکر از اساسنامه جدید خود، به وجود و حضور مشروط فرکسیون ها در درون تشکیلات حزبی، مشروعیت بخشیده است. زیرا وجود فرکسیون ها در ساختار تشکیلاتی احزاب افغانی پدیده جدید ضروری بی است که باید تعمیل میگردد. ما میدانیم که مبادرت به آن بمثابه تجربه جدید، خالی از اشکال نخواهد بود اما باور ما اینست که حزب ما بادر نظر داشت تجارب و درسهای گذشته و بلوغ سیاسی آزموده شده کادرها و فعالین خویش، میتواند و باید بتواند با اشتباهات و خلل های احتمالی کمتر، از عهده تحقق موفقانه این تجربه و تثبیت ارزشهای مثبت آن، بدر آید.

اصل اساسی شرط وجود و حضور یک فرکسیون در تشکیلات حزب وطن اعتقاد به درستی ارزشهای مندرج مراننامه حزب وطن و کمک به سازماندهی ابعاد مختلف مبارزه سیاسی جهت دستیابی به تحقق این ارزشها و تنظیم هرچه بهتر حیات درونی حزب مطابق اصول مندرج در اساسنامه حزب است. این بدان معنی است که فرکسیونهای متذکره گرایش های متفاوت (چپ، میانه و راست) را جهت دستیابی به اهداف و ارزشهای مندرج مراننامه حزب تبارز میدهند. بدین ملحوظ گرایش های سیاسی مغایر و مخالف اهداف و ارزشهای مندرج مراننامه و اساسنامه حزب بوسیله فرکسیون ها، ماهیت فرکسیون حزبی آنان را به فرکسیون ضد حزبی مبدل نموده، مشروعیت حزبی شان را سلب مینماید. بدین ملحوظ فرکسیون های متذکره صرف در حول گرایش های متفاوت فوق الذکر سیاسی معطوف به تحقق بهتر - از دیدگاه هر فرکسیون - اهداف و ارزشهای مندرج مراننامه مشروعیت داشته نه بر محور گرایش های قومی، سمتی، زبانی و غیره مسایلی که مغایر اهداف و ارزشهای مندرجات مراننامه و اساسنامه حزب اند.

فرکسیون های حزب که مظهر آزادی و دموکراسی در درون حزب و برای حزب بوده، توسط انتخابات در تمام سطوح حزب، مشروعیت کسب نموده و بر کمیتهای آرای اتکا دارند که در پشتیبانی از خود، در درون حزب برمی انگیزند.

با استنتاج از توضیحات فوق، میتوان ارزشهای مورد توقع ناشی از وجود و حضور فرکسیون های مشروع - که رهنمود شورای مرکزی حزب بعد از تصویب و انفاذ؛ اصول مشروعیت، حقوق و مسولیت ها، همچنان حدود و چگونگی فعالیت های شانرا مشخص خواهد ساخت - در حزب وطن را؛ چنین فورمولبندی نمود:

- ساختار تعریف شده توأم با کارایی معقول و مؤثری را جهت ورود و تحقق اصل دموکراسی در حیات حزبی ایجاد مینماید که عملکرد آن باعث تحقق تمامی ارزشهای این اصل در حیات حزبی گردیده، از احمال نفوذ انحصاری تمایلات رهبر (تیم رهبری)، تحمیل «کیش شخصیت»، کجروی ها و انحرافات جلوگیری نموده، احتمال اشتباهات را در سیاست گذاری و در پروسه تعمیل این سیاست ها، تا حدود زیاد تقلیل میبخشد.

- آزادی بیان و مباحثه و به این وسیله کثرت نظریات را در حول اهداف و ارزشهای مندرج مراننامه حزب و در پیرامون مسایل مربوط به چگونگی انتظام حیات حزبی بار آورده، گره گاه های نظریاتی و تجربی را باز، مقاطع مبهم آن را توضیح و در نتیجه باعث غنای فکری و عملی حزب گردیده، سیاست گذاری و تعمیل سیاست ها را متعادل ساخته از افراط و تفریط مصون میدارد.

- جاذبه اجتماعی حزب را در گستره تمامی برداشت های ممکن (چپ ، راست و میانه) از اهداف و ارزشهای مندرج مرانامه آن ، تقویت نموده به ارتقای اعتبار و نفوذ حزب در میان اقشار و لایه های متعدد اجتماعی ، کمک مینماید .

- رقابت مشروع و تعریف شده میان فرکسیونهای درون حزبی ، باعث رفع رکود و جمود حیات حزبی گردیده ، برای تحرک و دینامیزم حد اکثر ساختار های حزبی ، در درون حزب نیز پیوسته انگیزه ایجاد نموده و آن را تداوم میبخشند .

- در جریان مبارزات پرتحرک فرکسیون های درون حزبی ، کادر های مستعد و پرتوان حزبی تربیه و تبارز نموده و خود را می شناسانند . این پروسه به انتخاب افراد در مقامات رهبری کننده فرکسیون ها و در نتیجه به انتخاب کادر رهبری حزب ، کمک شایان نموده از پیش کشیدن افراد فاقد صلاحیت ، تصادفی ، تحمیلی و یا هم مطیع رهبر (رهبران) ، جلوگیری بعمل می آورد .

- فرکسیون های درون حزب ، اعضا و بخصوص شخصیت های طراز اول همدیگر را پیوسته تحت نظر داشته ، در تیررس نقد قرار داده و کوچکترین اشتباه و یا ضعف های سیاسی و اخلاقی شان را به رخ آنان کشیده ، در جلسات حزبی مطرح و حتی در مطبوعات حزبی منتشر و در نتیجه مانع وجود و حضور چنین شخصیت ها در مقامات حزبی میگردند . این اصل در منزه نگهداشتن کادر رهبری حزب از اشتباهات سیاسی و ضعف های اخلاقی کمک در خور توجه بعمل می آورد .

#### یادداشت ها :

1 - درین متن هدف از «نهضت آزادیبخش و ترقیخواه مردم سرزمین ما» ، نهضتی است که تسلل معاصر آن در وجود مشروطه خواهان اول ، مشروطه خواهان دوم ، دوره هفتم شورای ملی ، احزاب دموکرات و ترقیخواه در دهه دموکراسی و سالهای بعدی آن - بخصوص تجارب مثبت و منفی ح . د . خ . ا که گذشته تاریخی نقد شده بوسیله حزب وطن و یک بخش از زندگی سیاسی هریک از بنیانگذاران حزب وطن (درکنگره 1369 خورشیدی) را تشکیل میدهد - تجلی تاریخی یافته است .

باید تذکار نمود که در مجمع عمومی حزب وطن مؤرخ 5 میزان سال 1391 خورشیدی ، بیش از 45 درصد (110 تن از جمله 241 نفر) از اعضای منتخب آن ، با داشتن عمر حد اکثر 30 سال ، نسل جدیدی را نمایندگی مینمودند که در سالهای وجود و حضور ح . د . خ . ا در وضعیت سیاسی کشور ، تولد نشده و یا کمتر از ده سال عمر داشتند .

## قسمت دوم

### درباره مسوولیت ها و حقوق اعضای حزب

هویت هر یک از احزاب سیاسی را در جامعه و جهان آن بنیادهای فکری ، اهداف سیاسی و سیاست های جاری و دورنمایی آن تعریف و تمثیل مینمایند ، که می باید بوسیله اعضای آن بیان و با جلب اعتقاد کمیت های از افراد جامعه به درستی و حقانیت آن ، نیروی اجتماعی آنان را در استقامت دستیابی به این اهداف سمت داده و رهبری نماید . صرف بدین صورت است که یک حزب سیاسی جایگاه مشروع خویش را در وضعیت سیاسی کشور تثبیت نموده و امکان انجام پیرومندانانه رسالت تاریخی خویش را در یک جامعه دموکراتیک ، تدارک مینماید . بنابراین در هر یک از احزاب و از جمله در حزب وطن ، می باید به سه بُعد هستی آن ؛ یعنی :

یک - به بنیاد های اندیشه یی ، اهداف سیاسی و سیاست های عملی دستیابی به این اهداف ؛ و

دوم - به مختصات برارزنده حزبی و اجتماعی افراد اجتماعی سازمان یافته (اعضای حزب) ؛ بخصوص کادر های سرشناس و در رأس اهرم تشکیلاتی به کیفیت برارزنده شخصیت کادر رهبری آن ، و درنهایت ؛

سوم - به چگونگی ساختار منظم و مهندسی شده تشکیلاتی و سطح کارایی و مؤثریت این ساختار در وضعیت سیاسی و اجتماعی معین ، توجه معطوف داشت .

در قسمت های قبلی این سلسله روی مختصات اندیشه یی ، اهداف دورنمایی و بلند مدت مندرج مرامنامه حزب وطن و سیاست های عملی و جاری یی بحث نمودیم که می باید گروه بندی (فرکسیون) های مشروع در داخل حزب وطن ، با در نظر داشت انکشافات اوضاع و گرایشهای سیاسی شان ، برای دستیابی به ارزشهای مندرج مرامنامه حزب وطن ارایه خواهند داد .

درین قسمت از بحث ، مطابق به ارزشهای مندرج اساسنامه جدید حزب وطن ، به مسئله دوم مطرح در فوق ؛ به با اهمیت ترین بخش های از مختصات برانزده فردی اعضای حزب وطن در حیات حزبی و اجتماعی آنان و در وجوح دوگانه مسوولیت ها و حقوق ایشان ، خواهیم پرداخت .

در تمام جوامع معاصر بشری ، بیش از تمامی بخش های از جامعه ، به سلامت شخصیت کادرهای سیاسی در حیات شخصی ، فامیلی ، اجتماعی و سیاسی آنان ، توجه حد اکثر معطوف گردیده و معطوف میگردد . ضعف های شخصی افراد معروفی از میان سرمایه داران ، کادر های علمی ، هنری ، فنی و سایر بخش های از جامعه ، ضعف های شخصی آنان تلقی گردیده ، جدی گرفته نشده ، باعث تحریک افکار اجتماعی نگردیده و تهدیدی را متوجه منافع نهاد های اجتماعی و یا اقتصادی یی نمی سازد که این افراد مرتبط به آنان اند . ولی کوچکترین ضعف شخصی کادر سیاسی - که مدعی رهبری سالم حرکت سیاسی جامعه است - باعث تحریک افکار جامعه گردیده ، اعتبار و حیثیت حزب مربوطه را مورد سوال قرار داده ، بنابراین هم جامعه و هم حزب مربوطه ، آن را قابل گذشت و اغماض نمیدانند . تجارب متعدد تاریخی و زنده مؤید این حقیقت اند که ضعف و فساد در شخصیت کادر سیاسی ، حرکت سیاسی جامعه را به انحراف و فساد کشانیده ، بدنام میسازد . بنابراین چنین اهمیت است که در سطر اول تعریفی که از حزب و طن در اساسنامه جدید آن بعمل آمده ؛ چنین میخوانیم :

«حزب وطن عالیترین شکل سازمان سیاسی سراسری وطنی و طندوستان افغانستان است که در آن افراد پیشگام ، آگاه ، متعهد ، مؤمن و با وقف ، از میان مردم افغانستان ، بطور داوطلبانه متحد گردیده...» اند . و طندوست بودن ، پیشگام بودن در وقف و فداکاری بخاطر تحقق اهداف و آرمانهای حزب وطن ، آگاه بودن از مسوولیت و رسالت تاریخی خویش بحیث عضو حزب وطن و متعهد بودن به چنین رسالتی و مومن بودن در قبال آن ، همه مختصات فردی شخصیت عضو حزب وطن است که می باید ساختار های مسوول حزبی ؛ به حفظ ، تقویت و پالایش چنین مشخصات در اعضای حزب ، توجه معطوف دارند .

حزب وطن در جامعه سنتی و عقب نگهداشته شده ما ، افزون بر رسانه های گروهی با امکانات اندک مربوط خویش ، بیشتر و بیشتر از طریق و بوسیله اعضای خود با سایر هموطنان ارتباط تامین نموده و بدین وسیله میخواهد خوشبینی و در نتیجه پشتیبانی آنان را از اهداف و سیاست های دورنمایی و جاری خویش جلب نموده تا نیروی اجتماعی یی را تدارک نماید که با اتکا به این نیرو ، دستیابی به اهداف متذکره و پیروزی های سیاسی خویش را ممکن سازد . بنابراین ، اعتبار و حیثیت این وسیله ارتباط (هریک از اعضای حزب وطن) ، در جلب پشتیبانی مردم از حزب ، از اهمیت در خور توجه برخوردار است . با توجه به این اصل مهم است که در بند چهارم ؛ ماده دوم اساسنامه جدید ، در زمینه مسوولیت های عضو حزب وطن ؛ تاکید گردیده است که هر عضو حزب ؛ می باید :

« اعتقادات ، سنن و عنعنات پسندیده مردم را رعایت و درحیات روزمره بمثابه فرد باتقوا ، صادق ، متواضع ، سرمشق برای دیگران و خدمتگزار مردم عمل نموده ، از کردار و گفتاری احتراز نماید که در میان مردم به اعتبار و حیثیت او بمثابه عضو حزب صدمه میزند.»

بادرنظرداشت مسایل با اهمیت فوق ، نه تنها ارگانهای تشکیلاتی حزب وطن مسوولیت دارند که طی پروسه تربیت حزبی اعضای جدید حزب به حفظ ، پالایش و تقویت مختصات فوق الذکر در شخصیت آنان توجه نمایند ، بلکه هریک از اعضای حزب وطن نیز مسوولیت دارند که حین ابراز رای برای کسب عضویت حزبی یک فرد جدید و بخصوص در وقت ابراز رای برای هریک از کادر های کاندید مقامات رهبری کننده حزبی نیز به وجود و عدم وجود چنین مختصاتی در شخصیت او ، توجه داشته باشند . باحفظ توجه به انضباط پذیری اعضای حزب در حیات حزبی و اجرای وظایف محوله حزبی ، باید گفت که رعایت اصول توضیح شده فوق در جامعه سنتی ما - که مردم بیشتر به شخصیت اعضا ، کادرها و بخصوص کادر رهبری حزب توجه دارند تا به بنیادهای فکری و برنامه یی آن - بزرگترین و با اهمیت ترین اصل جلب خوشبینی ، اعتماد و پشتیبانی مردم از حزب و در نتیجه اصل بقا ، نیرومندی و پیروزی حزب محسوب میگردد .

باید تذکار نمود که هم مسوولیت های عضو حزب که به رعایت و اجرای آنان مکلف اند و هم حقوق اعضای حزب که میباید توان استفاده از آنان را در حیات حزبی تبارز دهند ، هردو ممثل وجوح دوگانه رشد شخصیت عالی عضو حزب اند . به همان اندازه ایکه رعایت و اجرای مسوولیت ها بوسیله عضو حزب سلامتی شخصیت عالی و بلوغ سیاسی عضو حزب را نشان میدهد به همان اندازه تبارز توانایی او در استفاده معقول و شجاعانه از حقوق تعریف شده و مشروع اش ، مؤید سلامتی این شخصیت عالی و بلوغ سیاسی وی می باشد . بنابراین به حال حزبی می باید تأسف نمود که اعضای آن فاقد مشخصات مسوولیت پذیری و فاقد توان تبارز شجاعت استفاده حقوق شان بوده و یا نسبت به رعایت آنان بی تفاوت باشند . چنین حزبی ، خود حق بودن و زنده ماندن را از خودش سلب مینماید . به همین ملحوظ و بادرنظرداشت اهمیت حقوق اعضای حزب - در کنار مسوولیت های آنان - ماده سوم اساسنامه جدید حزب وطن به تسجیل این حقوق اختصاص یافته است .

در اساسنامه حزب وطن ، نه تنها بر حق عضو حزب وطن مبنی بر شرکت فعال و آزادانه او در بحث هایی که روی مسایل جاری و دورنمایی حزب صورت می گیرد ، تاکید بعمل آمده ، بلکه برای نخستین بار در تاریخ احزاب سیاسی افغانستان ، این حزب وطن است که وجود و حضور فرکسیون ها را در داخل حزب و حق عضویت اعضای خویش را درین فرکسیون ها ، به رسمیت شناخته و مشروعیت بخشیده است . همچنان مطابق به اساسنامه جدید حزب وطن ، هر عضو حزب حق دارد که نظریات خود را روی مسایل جاری و دورنمایی حزب و هم مواضع فرکسیونی خویش را روی این مسایل ، در جلسات حزب ، در بین سایر اعضای حزب ، در مطبوعات حزبی و سایر رسانه های گروهی ، بمنظور مطرح نماید که باعث جلب پشتیبانی و حمایت از این نظریات گردد . ملحوظات فوق در بند اول ؛ ماده سوم اساسنامه جدید حزب چنین تسجیل گردیده اند که هر عضو حزب وطن حق دارد:

[«با رعایت اصل « وحدت درتنوع» در حیات درونی حزب ، در بحث ها روی مسایل جاری و دورنمایی حزب فعالانه سهم بگیرد ، نظریات خویش را - بمنظور جلب حمایت از آن - در جلسات حزبی ، در میان سایر اعضای حزب ، در مطبوعات حزبی و سایر رسانه های گروهی مطرح و مبتنی

براین نظریات جایگاه خویش را در آرایش نیروهای تثبیت نماید که در درون حزب با رعایت مرامنامه و ارزشهای مندرج این سند ، تبارز نموده و یا مینماید» .

افزون بر آن ، بند های بعدی ماده سوم اساسنامه جدید حزب وطن ، بر سایر حقوق اعضای حزب چنین تاکید میدارند :

- در انتخابات برای احراز مقامات حزبی بحیث انتخاب شونده و انتخاب کننده اشتراك نماید، درین رابطه و سایر موارد بطور مثبت و یا منفی ابراز رای و یا از دادن رای امتناع نماید.

- از عملکرد مقامات و اعضای حزب منجمله از خود ، در قبال کاستی های مربوط به زندگی و فعالیت حزبی انتقاد نموده ، عقاید خویش را در مورد (موارد) دلایل انتقاد مطرح شده و چگونگی رفع آن ، ابراز نماید.

- در جلسات حضور یابد که درباره فعالیت ها و سرنوشت او بحث و تصمیم اتخاذ میگردد . در صورت عدم موافقت با تصمیم اتخاذ شده به مقامات بالاتر تا سطح مجمع عالی حزب مراجعه نماید.

- هر موقعیکه بخواهد از مقامات و یا هم از عضویت حزب استعفا دهد.

## قسمت سوم

### درباره عملکرد ارگانیک حزب وطن

حزب افزار سیاسی در یک نظام اجتماعی - اقتصادی عصری (مُدرن) است . این افزار نیز می باید مانند تمامی افزارهای عصری دیگر ، دارای آن مختصات کمی و کیفی و از جمله مختصات ساختاری مهندسی شده باشد که عملکرد لازم در وضعیت موجود را جهت تسهیل و تسریع پروسه اجرای بهتر وظیفه مطلوب تبارز دهد . حزب آن افزاری است که می باید در یک نظام دموکراتیک - برعکس افزار سنتی بدست آوردن قدرت دولتی از طریق توطئه یا بکاربرد زور و خشونت مانند کودتا ، جنگ های فرسایشی و لشکر کشی علیه نظام های استبدادی - با تحمیل فشار سیاسی یا اعمال نفوذ دموکراتیک بر ساختارهای دولتی و درنهایت با بدست آوردن قدرت دولتی از طریق دموکراتیک ؛ امکانات دولت را جهت تعمیم و تحقق اهداف برنامه‌ی خویش بکار گرفته و بدینوسیله رشد و انکشاف ظرفیت های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در جهت این اهداف استقامت بخشد .

احمال دموکراتیک فشار سیاسی بر ساختارهای محلی و مرکزی قدرت و اداره دولتی، نفوذ دموکراتیک و قانونی درین ساختارها و یا بدست آوردن قدرت دولتی به طرق دموکراتیک بوسیله یک حزب، صرف می‌تواند از طریق تماس‌های دوامدار و پیگیر دوجانبه میان اعضای این حزب و تمامی اقشار و لایه‌های اجتماعی کشور میسر گردد که این روابط نتایج دوگانه ذیل را در قبال داشته باشد:

1- این روابط دوجانبه از یک طرف و در نتیجه کار پیگیر و دوامدار اعضای حزب، به رشد درک سیاسی و تنویر و تفهیم افراد جامعه در رابطه به اهداف جاری و دورنمایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حزب کمک نماید و

2- از طرف دیگر، خود اعضای حزب با آموزش از افراد جامعه، خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان را در اوضاع و احوال مختلف زمانی درک نموده و به حزب انتقال دهند تا ساختارهای محلی و مرکزی مؤلف حزب، این خواسته‌ها را بعد از تفکیک و جمع‌بندی، مضمون سیاسی بخشیده، در وضعیت سیاسی (محلی و یا هم سرتاسری) کشور مطرح و جهت برآوردن آنان، فشارهای علنی سیاسی حزب را بر دستگاه‌های محلی و یا هم مرکزی قدرت و اداره دولتی سازماندهی و تحمیل نموده و در صورت حضور در قدرت دولتی آنان را مورد اجرا قرار داده، تحقق بخشد.

تداوم جریان اطلاعات و آموزش دوجانبه فوق‌الذکر از رأس و سطوح بالا، بسوی قاعده هرم تشکیلاتی حزب و فراتر از آن بسوی اقشار و لایه‌های متعدد اجتماعی و برعکس آن، نه تنها باعث جلب آگاهانه حمایت و آرای مردم از حزب میگردد بلکه بمثابة دوران خون در پیکر تشکیلات موجود حزب، سلول‌های ساختاری فعال حزب را تغذیه نموده و در مجموع حزب را به ساختار زنده با فعالیت ارگانیکی (انداموار) مبدل مینماید. درحزب فاقد تشکیلات فعال، دوران اطلاعات و آموزش دوجانبه فوق‌الذکر، مسیر لازم در پیکر تشکیلاتی حزب نیافته، بدین ملحوظ چنین نهادی حزب زنده سیاسی نه بلکه پیکرمومیایی شده یک حزب متوفا، یا مدل محجر حزب گونه‌یی و یا هم شبهه تخیلی‌یی، بیش نیست.

باید تذکار نمود که یکی از مشکلات اساسی احزاب سیاسی کشورما در وضعیت کنونی، این واقعیت نیز است که آنان در وضعیت اجتماعی - اقتصادی‌یی مبارزه مینمایند که حرکت آغاز شده جامعه بسوی مدرنیسم، بارها و در طول سالهای متمادی اخلاص گردیده و هم اکنون نیز برخی نهادها و همچنان افکار و روان سنتی عقبگرا و افراطی اجتماعی - با تجسم و تبارز خود در وضعیت سیاسی و از جمله در ساختارهای دولتی و احزاب - در برابر آن مقاومت نموده، تلاش بعمل می‌آورند تا با گرایشهای انحصارگرانه کثرت ناپذیر، باز هم پروسه تکوین و قوام ارزشهای دموکراتیک و همچنان جریان رشد سایر مختصات جامعه مدرن را اخلاص نمایند. تبارز چنین گرایشهای زمان زده بوسیله افراد و نهادهای متذکره - که مظهر عقبماندگی، عدم اعتماد به نفس و نبود بلوغ و شجاعت سیاسی آنان محسوب میگردد - در برابر احزاب سیاسی خردورز، مشکلات ایجاد نموده و مینماید.

نیروهای خرد ورز سیاسی، بادرک از وضعیت عینی کنونی کشور و رسالت تاریخی شان بخاطر تداوم معقول پروسه تغییر و تحول جامعه، میباید افزار سیاسی (حزب) شان را در چنین وضعیتی - هم از لحاظ اندیشه‌یی و هم از لحاظ ساختاری - منطبق با واقعیت‌های مرحله کنونی رشد اجتماعی

و اقتصادی کشور ، چنان تعمیر نموده و طوری بکار گیرند که این افزار بتواند کارایی مطلوب را در تسهیل و تسریع پروسه دستیابی به اهداف مطروحه و انجام وظایف محوله تبارز دهند . زیرا هر حزبی که بطور طبیعی در بستر رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه و با اتکا به نیروهای اجتماعی بالنده عملاً موجود آن مرحله تاسیس میگردد و وظیفه حل استراتژیک معضلات عینی موجود را در برابر خود قرار میدهد ، حزب واقعیتگرای خردورز زمان خود است ، نه حزب ایدولوژیک غرق در تخیلات ارتجاعی و یا ماجراجویانه راست و چپ افراطی .

بدین ملحوظ ساختار تشکیلاتی حزب سیاسی خردورز می باید چنین انسجام یابد که بتواند حضور خود را با بکاربرد انواع مختلف اشکال کار سیاسی ، تبلیغی و ترویجی و محتوای مناسب ، معقول و تاثیرگذار آنان در تمامی ساحات جغرافیایی کشور و در هر محلی و نهادی تامین نمایند که مردم (شامل مجموع شهروندان کشور) در آن ها به کار و زندگی مصروف اند . همچنان حزب باید به تاسیس و انسجام عملی چنان نهادهای در ساختار درونی خویش اقدام نماید که او را قادر سازد تا با تفکیک شیوه های مؤثر و صادقانه کارسیاسی ، هم در نهادهای مدرن (شهر ها ، ارگانهای دولتی ، موسسات تعلیمی ، تحصیلی و تحقیقاتی ، دستگاههای تولیدی صنعتی ، فارم های مکانیزه زراعتی ، موسسات ساختمانی و استخراج معادن ، سازمانهای اجتماعی و کلب های سپورتی ) و هم در نهادها و ساختارهای سنتی (دهات و مزارع سنتی، مدارس و سایر ساختارهای دینی و مذهبی ، ساختار های قومی ، قبلوی و غیره) ، به فعالیت بپردازد .

بادرنظرداشت مشخصات فوق ، اساسنامه جدید حزب وطن «واحد های اولیه اصلی و شعبوی» حزب را بمثابة واحد های اولیه وظیفوی در ساختار حزب ، تعریف مینماید . بنابراین ، این واحد های ساختاری که سرتاسر قاعده هرم تشکیلاتی حزب را در گستره تمامی ساحه جغرافیایی کشور و مطابق به محلات زیست و یاهم محلات کار ، پوشش میدهند ، منشه حزبیبت ( حلقه گسترده رابطه دوجانبه میان حزب و مردم ، همچنان مبده مسوولیت و مخرج قدرت و صلاحیت حزبی) محسوب میگردد . حزبیبت از همین واحد های وظیفوی در ساختار حزب ، یعنی از قاعده هرم تشکیلاتی حزب آغاز و بسوی رأس این هرم امتداد یافته و میباید مضمون آن در مسیر این امتداد پیوسته غنا کسب نموده و تکامل نماید . در ماده چهاردهم اساسنامه جدید حزب ، تحت عنوان «واحد های اولیه حزب» ؛ چنین میخوانیم :

«واحد های اولیه حزبی ، واحد ساختاری حزب بوده ، بمنظور تامین تماس دایمی وگسترده با مردم ، در محلات زیست (یاهم محلات کار) تشکیل گردیده، بنام «واحد های اولیه حزبی» همان محل ، یاد میگردد . واحد های اولیه حزبی میتوانند نظر به کثرت کمیت اعضای خویش به دو و یا چند واحد شعبوی تقسیم گردند .

تمام اعضای حزب ، صرفنظر از مقام حزبی شان، در یکی از واحد های اولیه حزبی تنظیم گردیده ، ازکار و فعالیت خود در رابطه به :ارتقای سطح درك علمی - سیاسی خویش، تبلیغ و ترویج اهداف و آرماتهای حزب در میان مردم و جلب و جذب بهترین نماینده گان شان به عضویت حزب و سایر فعالیت های حزبی گزارش داده ، حق العضویت خویش را میپردازند . واحد های اولیه حزبی (و شعبات آنان نیز) نظر به کثرت تعداد اعضای خویش میتوانند به گروه های حزبی تقسیم گردند . گروه های حزبی با موجودیت حد اقل ده عضو دریک محل زیست(یا محل کار) تشکیل میگردد . در غیر آن اعضای حزب به گروه حزبی محل نزدیک ، معرفی میشوند .



هر واحد اولیه حزبی تحت نظر هیئت رهبری خویش متشکل از مسوول هیئت رهبری ، معاون و اعضای آن، فعالیت مینماید . هیئت رهبری بوسیله جلسه عمومی واحد اولیه حزبی برای مدت یکسال انتخاب میگردند . هر عضو هیئت رهبری گروه حزبی مسوول پیشبرد امور يك و یا چند گروه حزبی میباشد . جلسات عمومی واحد های اولیه حزبی هر سه ماه یک مرتبه ، با شرکت حد اقل دو ثلث اعضای خویش و جلسات گروه های حزبی ماه يك مرتبه تحت نظر مسوول گروه حزبی مطابق به طرز العمل و اجندای معین دایر میگردد . در صورت ضرورت، جلسات واحد های اولیه و گروه های حزبی میتوانند بطور فوق العاده نیز دایر گردند .

درخواست داوطلبان انفرادی عضویت به حزب ، مطابق به طرز العمل شعبه تشکیلات مرکزی حزب ، توسط گروه های حزبی اخذ و در جلسات واحد های اولیه حزبی مربوط ، در زمینه پذیرش و عدم پذیرش آنان تصمیم اتخاذ میگردد . «

افزون بر آن جلسات عمومی واحد های اولیه حزب بنیاد انتخاب اعضای کنفرانس های سطوح بالایی حزبی در هرم تشکیلاتی حزب و بدین طریق بنیاد انتخاب اعضای مجمع عمومی حزب و سایر ارگانهای رهبری کننده محلی و مرکزی حزب محسوب میگردد . درین زمینه در ماده دهم اساسنامه جدید حزب وطن ؛ چنین آمده است :

«کنفرانسهای محلی حزبی عالیترین ارگان رهبری کننده سازمانهای محلی حزبی (ولایتی ، ولسوالی، شهری و نواحی شهر) و معادل آنها اند . کنفرانسهای محلی حزب هرچار سال يك مرتبه در آستانه تدویر مجمع عالی حزب دایر میگردند .

جلسات عمومی واحد های اولیه حزبی اعضای کنفرانس ساختار تشکیلاتی مافوق ( مثلاً ولسوالی و یا ناحیوی) را ، کنفرانس های ساختارهای تشکیلاتی ماتحت ، اعضای کنفرانس های ساختارهای تشکیلاتی مافوق را و کنفرانس های ولایتی(معادل آن) اعضای مجمع عمومی حزب را مطابق طرز العمل و سهمیه تصویب شده به وسیله شوراهای مافوق خویش ، انتخاب مینمایند . «

مطابق به اساسنامه جدید حزب وطن کنفرانس های محلی در ساختار حزبی نه تنها اعضای کنفرانس مافوق خود بلکه اعضای شوراهای رهبری کننده ساختار های حزبی محل و از طریق آن اعضای هیئت اجراییه و رئیس شورای مربوطه خویش را نیز انتخاب مینمایند . تسجیل این مسئله در بخشی از ماده یازدهم اساسنامه حزب وطن چنین صورت گرفته است :

« اعضای شوراهای محلی حزبی (ولایتی ، ولسوالی ، شهرها ، نواحی شهر و معادل آنها) بوسیله کنفرانس های حزبی سازمانهای مذکور انتخاب میگردند . ... »

مشخصه دیگر ساختار تشکیلاتی یک حزب دموکرات ، خردورز و کثرت گرا اینست که بخشهای درونی ساختاری آن (شعبات مرکزی و محلی کار اختصاصی مانند تشکیلات ، تبلیغ و ترویج ، سازمانهای اجتماعی ، روابط خارجی ، مالی و اسناد ...) و چگونگی عملکرد ارگاتیک و بهم مرتبط این بخشها ، قسمی انتظام یابند که از یک جانب صلاحیت توأم با مسوولیت در سطوح مختلف سلسله مراتب (هیرارشی) هرم تشکیلاتی حزب (نهاد های رهبری جمعی مرکزی مانند : مجمع عمومی ، شورای سراسری ، هیئت اجراییه شورای سراسری ، ریاست حزب ، کمیسیون تفتیش و نظارت مرکزی و نهاد های محلی آن مانند : کنفرانس های سازمانهای ولایتی ، شهری ، ناحیوی شهر ، ولسوالی و سازمانهای معادل هر یک از آنها در داخل و یا خارج از کشور، شوراهای هیئت های اجراییه و ریاست هیئت های اجراییه این سازمانها) تقسیم گردیده و بدین وسیله از تمرکز

قدرت در بالاترین سطوح و در رأس هرم تشکیلاتی حزب - که باعث اِعمال یک جانبه قدرت از بالا ، تبارز سلطه کیش شخصیت ، تیم رهبری و رهبران مادام العمر و میراثی میگردد - جلوگیری بعمل آورد و از جانب دیگر پایه های قدرت و صلاحیت بر سطوح پائین هرم تشکیلاتی مذکور اتکا داشته ، از سطوح پائین و گسترده این هرم شکل گرفته و بسوی رأس آن امتداد یابد .

به ملحوظ فوق اساسنامه حزب وطن مانع تمرکز قدرت و صلاحیت ارگانهای رهبری کننده و بخصوص مانع تمرکز قدرت بدست رهبران مرکزی و محلی گردیده و بر تقسیم متناسب قدرت و صلاحیت به نهاد های رهبری کننده جمعی در سطوح مختلف هرم تشکیلاتی ، امر مینماید . به همین منظور در بخش «ب» ، فصل دوم اساسنامه حزب ، تحت عنوان کوچک «مقامات رهبری کننده محلی حزب» ؛ چنین آمده است :

«مقامات محلی رهبری کننده حزب بادر نظر داشت اصول مندرج مرامنامه و اساسنامه حزب ، عملکرد خویش را مستقلانه و با قبول مسوولیت ، مطابق به خواستهای مردمان ، وضعیت و ضرورت محلات شان ، عیار ساخته و تلاش مینمایند حرکت سیاسی این مردم را تشویق و در مطابقت با اهداف موقتی و دورنمایی حزب ، سمت داده و رهبری نمایند.»

متن و محتوای مواد مختلف فصل دوم (مواد 4 - 14 ) اساسنامه حزب وطن ، که ساختار تشکیلاتی حزب ، شامل ساختار مقامات رهبری کننده مرکزی و محلی حزب و صلاحیت ها و مسوولیتهای هریک از این نهاد ها را تعریف مینمایند ، مؤید این حقیقت اند که صلاحیت ها و مسوولیت ها در سطوح مختلف نهادهای جمعی رهبری کننده حزب تقسیم گردیده و رهبران مرکزی و محلی حزب صرف بمتابجه «ممثل و سازمانده» تحقق آن سیاست هایی عمل مینمایند که آنها را نهاد های رهبری جمعی حزبی در سطوح مختلف هرم تشکیلاتی ، فیصله نموده اند . مثلاً در بخشی از ماده چهارم اساسنامه حزب وطن ، در مورد صلاحیت های رئیس شورای سراسری (رهبر) حزب ؛ چنین میخوانیم :

«رئیس شورای سراسری حزب ، صرف ممثل و سازمانده تعمیل سیاست ها و فیصله های رسمی حزب بوده ، در قبال صحبت ها ، اجراءات و روابط سیاسی خویش ، مسوولیت شخصی داشته و مکلف است در تمام موارد مذکور به هیئت اجراییه شورای سراسر حزب گزارش دهد.»

اصول مندرج اساسنامه حزب وطن بر مسوولیت مجموع کادرهای رهبری سطوح مرکزی و محلی حزب وطن در برابر نهاد های جمعی رهبری کننده همسطح و سطوح مافوق ساختار حزب (مجمع عمومی ، کنفرانس های محلی ، شورای سراسری ، شوراهای محلی و هیئت های اجراییه مربوطه) مسوولیت داشته و از این نهاد ها دستور می پذیرند .

حزب سیاسی دارای شخصیت حقوقی تعریف شده یی است که می باید عملکرد ارگانیک ساختار های درونی خود را قبل از همه مبتنی بر ارزشهای مطرح در مرامنامه و اساسنامه ، فیصله ها ، تصاویر ، رهنمود ها و دستورالعمل های مقامات رهبری کننده خویش ، بطور رسمی عیار ساخته و چگونگی اجرا و نتایج آن را مبتنی بر سیستم رسمی گزارشدهی انسجام ببخشد . به همین ملحوظ در اساسنامه حزب وطن مجموع مسایل معطوف به صلاحیت های اتخاذ تصامیم پیرامون وظایف و تفویض آنان ، تشخیص مقامهای محول کننده و تحویل گیرنده وظایف و هم مسائل مربوط به گزارشدهی از چگونگی اجرا و نتایج وظایف محول شده ، صراحت یافته اند . چنین برخورد ، مسوولیت ها را مشخص ساخته ، تداوم فعالیت ساختارهای داخلی حزب را سمت داده و تضمین

مینماید و در نهایت به اصل نظارت و تفتیش ، زمینه های مشخص تدارک مینماید . بادر نظر داشت ضرورت تعمیم اصل نظارت برچگونگی تحقق اساسنامه حزب بوسیله نهاد های داخلی و اعضای حزب و همچنان تفتیش و بازرسی از چگونگی اجرای وظایف محوله به آنان است که در اساسنامه حزب وجود «کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی» بمثابة ساختار با صلاحیت و مستقل از هیئت اجرائیه شورای سراسری حزب ، تسجیل گردیده که رئیس (مطابق بند دوم ماده ششم اساسنامه) و اعضای آن ( مطابق بند چهارم ماده ششم اساسنامه) توسط شورای سراسری حزب و از میان اعضای این شورا انتخاب میگردند . در مورد صلاحیت ها و وظایف کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی و سایر کمسیون های ممثل محلی آن ، ماده نهم اساسنامه جدید حزب وطن ، چنین تصریح میدارد :

«کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی بر چگونگی رعایت و تطبیق اساسنامه حزب بوسیله اعضا، مقامات و سازمانهای حزبی نظارت نموده و از چگونگی امور مالی حزب تفتیش و بازرسی بعمل آورده ، خلاف رفتاری ها را تشخیص و برملا ساخته و جزا های لازم برای مرتکبین را به مقامات حزبی پیشنهاد مینماید . کمسیون نظارت و تفتیش و شعبه تشکیلات مرکزی حزب، لایحه مکافات و مجازات اعضای حزب را تنظیم و بعد از تصویب هیئت اجرائیه شورای سراسری حزب ، نافذ میگردد . در صورت اختلاف نظر میان هیئت اجرائیه و کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی ، مسئله جهت فیصله به شورای سراسری حزب محول میگردد .»

برحسب ضرورت کمسیون های نظارت و تفتیش محلی در جنب شوراهای محلی حزبی تشکیل و مطابق به طرز العمل کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی، فعالیت مینمایند.»

فعالیت حزب سیاسی متناسب به گستردگی عرصه های آن در برخی موارد تدارک وجوح مالی و مصرف مجدد آن را ایجاب مینماید . بمنظور شفافیت این اصل ضرور ، فصل سوم و ماده شانزدهم اساسنامه حزب اختصاص یافته است . متن این ماده در زمینه تصریح میدارد که : « امور مالی و مصارف حزب از طریق پرداخت حق العضویت اعضای حزب ، کمک های مالی آنان و سایر هواداران حزب ، فروش مطبوعات و نشرات حزبی ، همچنان تشبسات اقتصادی حزب و سایر منابع قانونی و مشروع ، تمویل میگردد .»

حزب عواید و مصارف خویش را مطابق به اصول پذیرفته شده حسابی و کاملاً شفاف درج و از طریق حساب بانکی انجام میدهد.»

در نهایت این تذکار ضرور است که محسنات و ارزشهای مندرج مرانامه و اساسنامه حزب صرف سند تثبیت محتوی و سمت دهنده کار و فعالیت حزب وطن در جهت دستیابی به اهداف و آرمانهای این حزب است . ولی تحقق این اهداف و آرمانها تا حدود زیاد به تحرک ، وقف و فداکاری و ابتکار اعضای حزب وطن و بخصوص کادر ها و فعالین سطوح مختلف مرکزی و محلی آن مربوط و منوط میگردد . در غیر آن این محسنات صرف میتوانند بمثابة مفاهیم زیبا و بدون ثمر ، روی کاغذ باقی بمانند .

ختم

